

مرگ با عزت بهر است از زندگی ذلتناز

ماه محرم، ماه خاطره آمیزین قیام مقدس و خوسن امام حسین (ع) و یاد آور شهادت جانگداز آنحضرت و یارانش که در دهم محرم سال ۶۰ هجری رخ داد، می باشد. معاویه برخلاف بیعتی که با امام حسن (ع) امضاء کرده بود، برخلاف بیعت با امیر اکرم (ص) و حتی برخلاف روش خلفای پیشین خود، بزید را به انشعابی خود برگزید و با زمینه سازی های وحشتناک، با وعده و وعید، برای بزید بیعت گرفت و از جمله افراد محدودی که تا آخرین لحظات ماهه امیرتک و مرید معاویه، زیر بار آن بیعت سوا نرفتند، امام حسن (ع) بود.

"معاویه" شمال ۶۰ هجری از دنیا رفت، و "بزید" دلیرم مخالفت مردان راستین، بجای او نشست.

وی جوانی مسیحی زاده (ارمانی مسیحی) و میانه و هورده بود و می دانست که با وجود درگیری چون حسین بن علی (ع) و مخالفتش، موقعیت از نصیبت نخواهد شد، از این جهت متوسل به زور و تهدید شد و این خود حکایت از ناپختگی و عدم رسد سیاسی او می کرد که بشادقت می تواند امام حسین (ع) را زور و تهدید و اقرار به بیعت و تسلیم سازد!

از این جهت به والی مدینه نوشت که از حسین بن علی بیعت بگیرد و گرنه کربن او را ببرد!

امام حسن (ع) که موضع حیثیت را عزیزان معاویه، با مخالفتش روشن ساخته بود از آمار زمانداری بزید، مخالف خود را آشکار تر ساخت و بدون کمترین تردیدی به حرکت بنیادی عاشورا دست زد که نخست حرکت به مکه و از آنجا با آگاهی و بیعت تمام سوی عراق و کربلا پیشکش کرد تا علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کلمات امام علیه السلام در طول راه، و تفکر موفق آنحضرت در برابر میدان و خلافت نوم بزید است.

نخست با تعار "الا و ان الدینی این الدینی قد رکزنی بین انثنین، بین السلطه و الذله هیجات منا الذله..." "بزید هست و تقسم - بصر معاویه هست، مرا بر سر دوراهی مرگ و ذلت (خشتر و بیعت) قرار داده، مجال است که ذلت را انتخاب کنم (از خاندان عزت ما ذلت است دور) خدا و پیامبرش و یومنان راستین و مکتب پاک تربیتی پدر و مادرم و مردان با همت و غیرت و انسانهای شایسته سوار از جس ذلت هستند و هرگز بن بخوازی نمیهند و طاعت لشعرا بر شهادت ترجیح نخواهند داد.

این موقف روشن امام (ع) با توراتگیزترین و حماسی‌ترین گفتارشان در مکه
 روشن شد و چهره حسین و شهادت و فداکاری بر زبان راه خدا را ابلاغ کرد که: هر کس
 سر در تک گرفته و آماده مرگ و لقاء الله است با من حرکت کند که مرده حرکت خواهد
 کرد^۱ و این بر نامه را با آخرین خطایش در روز عاشورا به نبوت رسانید و فرمود
 "والله لا اعطيكم بيدي اعطاء الذليل ولا امر فرار العبيد"^۲

این خدا سوگند که هرگز ذلیلانه دست بدمت به تناسی ندم و برده وار
 تسلیم نمی‌شوم^۳ قاضی لازاری الموت الاستعاده و الحياه مع الظالمين الا برما^۴ برگردا
 جز سعادت و زندگی دلتبار با ستمگران را جز عار و تنگ میدانم -

آری امام راهش را انتخاب کرده بود، او میدانست که جهش یا بزیختن
 خلافت عباسی و موقعیت او و امضای همه صباهات او و بی‌امیه است و با این فعل نامی
 ثلاثی با سمر (هن) و معاهدتهای حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و معاهدات راستین
 اسلام را که بر ضد سپاه ترک و ستم‌پرسی که به رهبری خد هبیب بزید (ابوحنیفان) و
 پدرش (معاویه) سیخ شده بود، خشن می‌کند و اسلام و مسلمین و جامعه اسلامی را
 ناپاک گردشی از نجاسی - دوباره بمعاظت مشهور دوران ترک مازعی گرداند -

و طبقه الهی امام و پیش و برگ راستین او موقعیت عظیم اسلام و اوضاع
 جهان اسلامی و وضع رسوای بزید - و بهر خطا و خطای زیاد و رهبری او، این پیام مقدس
 و خویش را ایجاب می‌کرد -

از این رو آنحضرت چهره‌ای خویش که مظهر و مصلح جهانی‌های با سمر (هن)
 و علی (ع) و برادر بزرگوارش امام حسن (ع) بود متفور و زورید که جهادی الگو و نمونه
 بود و نظیر آن بر تاریخ بشریت سابقه نداشته و نخواهد داشت -

رهبری که تنها همه ادعای خاندان و مؤمنان و مؤمنان و مؤمنان در برابر
 اسود سپاه عدسش و سه طایفه که چهره برندگان و ستم‌پروان و زور و شریعت را ساه کرده
 است دلیرانه بایستد و عاشقانه حامی‌سازی کند و از جوانانش بگذرد و آگاهانه شهادت
 را بپذیرد و برای بهتر رسانیدن ابلاغ و اطلاع و اطلاع‌رسانی و آگاهی بخش و
 در همین حال رسواگر جسم و بی‌امیه، خاندان رسالت و اهل بیت، به اشارت بیرون رفتن
 عاشورای حسینی را با زور و خاودانه سازد، آری چنین پیامی واقعا انگو و نمونه است
 و می‌تواند انبیا بخش برای همه جهانیان و مسلمانان راستین مبره مصرورمان باشد -
 والسلام علیه يوم ولد و يوم مات و يوم بعثت حیا...^۵

شهادت خاندان آنحضرت و باران فداکاری خود را بجهان اسلامی تسلیم می‌گویم -

۱- من كان فيما نادلا ميجته و موطننا على لقاء الله نغسه فليرحل معنا فاسي را حبل
 مسيحا ان تا الله (لبيوف ص ۲۵)

۲- این اشراج ۴ ص ۲۶ چاپ مصر ۳- لبيوف ص ۲۶